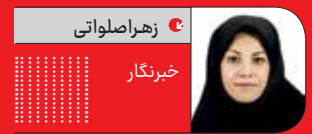


گپ و گفت با مرتضی حسینی، آقامعلم یک مجموعه نمایشی خاطره انگیز

آقای حیدری، خود واقعی ام بود



زهره اصلواتی

خبرنگار

مرتضی حسینی، بازیگر نقش آقای حیدری در مجموعه نمایشی «قصه‌های مجید» است. معلم با اخلاق، صبور و خونسردی که شیطنیت بچه‌ها را با حوصله تحمل می‌کرد و در راه تعلیم به دانش‌آموزان از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد. با وجودی که حسینی پس از قصه‌های مجید، بازیگری را با سریال‌هایی مانند سایه‌بان و ملکوان ادامه

داد، اما همیشه معلم ماند و همچنان هم خودش را آموزگار می‌داند و از این بابت که معلمی را رها نکرد تا به بازیگری بپردازد کاملاً راضی و خوشحال است. مرتضی حسینی در این گفت‌وگو از حضورش در قصه‌های مجید، علاقه‌اش به سینما، خاطراتش با زنده‌یاد کیومرث پوراحمد و نگاهش به بازیگری سخن می‌گوید. آقامعلم قصه‌های مجید در

سال‌های اخیر همچنان به شغل شریف معلمی مشغول است و به همت او تعدادی از دانش‌آموزان دهه ۶۰ و همکاری اداره‌نوسازی مدارس استان اصفهان، مدرسه شهید حلبیان که قدمتی ۱۲۰ ساله دارد و مجموعه قصه‌های مجید در آن تصویربرداری شده و در حال تخریب بود، بازسازی و به هنرستان صنایع دستی تبدیل شده است.



معلم می‌شناسند، چرا که چهره من به عنوان یک معلم خوب در ذهن‌شان نقش بسته است.

آقای حیدری معلم معتدلی بود و نه خیلی بی تفاوت بود و نه زیادی هیجان زده می‌شد.

بله، خودم هم در میان خانواده و دوستان به عنوان یک آدم صبور و خونسرد شهرت دارم.

شما بازیگری را با سریال‌هایی مثل سایه‌بان و ملکوان ادامه دادید. بعد از قصه‌های مجید بازیگری چه قدر برای تان جدی شد؟

همیشه دلم خواسته که نقش آقای حیدری که در ذهن مردم جا افتاده و به یاد ماندنی شده، خراب نشود و به همین دلیل، نقش‌هایی را می‌پذیرم که این تصویر خوب از من به عنوان بازیگر نقش یک معلم خوش اخلاق از بین نرود. خیلی خوشحالم که معلمی را رها نکردم و صرفاً به دنبال بازیگری رفتم. دوستی دارم که صدایش به و هنرمند و استاد دانشگاه در اصفهان است. همیشه می‌گویم اگر به گذشته برگردم از مدرسه شروع می‌کنم، چرا که کارش آرامش بخش است و روی تربیت بچه‌ها اثر دارد.

پس خودتان هم اگر به گذشته برگردید تمام و کمال به بازیگری مشغول نمی‌شوید؟

شک نکنید، چند بار هم به گذشته برگردم، حاضر نیستم معلمی را رها کنم. البته احساس می‌کنم اگر در کنار معلمی، روی کار بازیگری تمرکز بیشتری می‌کردم موفق‌تر از الان بودم و از موقعیت بهتری برخوردار بودم. با این حال، باز هم خدا را شاکر هستم که تا این مرحله جلو آمده‌ام.

مردم در کوچه و خیابان هنوز شما را به یاد می‌آورند؟
بله، با وجود تغییراتی که در چهارم به وجود آمده، اما همچنان لطف دارند و می‌شناسند. جالب این‌که بیشتر هم از روی صدا می‌شناسند که خیلی برایم ارزشمند است. ما هر چه داریم از عنایت خداوند و لطف مردم است.

چرا بعد از قصه‌های مجید در سایر کارهای زنده یاد پوراحمد بازی نکردید؟

اتفاقاً آقای پوراحمد دعوت می‌کردند، اما بعد از صحبت کردن، احساس می‌کردم نقش مناسب نیست و قبول نمی‌کردم.

کدام یک از قسمت‌های قصه‌های مجید را بیشتر دوست دارید؟

همه قسمت‌هایش جذاب است. الان که با یک دیدگاه متفاوت تماشا می‌کنم، همه قسمت‌ها را دوست دارم. البته قسمت ملخ دریایی را به خاطر حضور خانواده‌ام و پرداختن به موضوع ورزش جور دیگری دوست دارم و برایم در اولویت است. قصه‌های مجید یک مجموعه تربیتی کامل برای اولیا، دانش‌آموزان و مربیان است.

عمل داشتیم. البته در کارهای بعدی ام با کارگردانان دیگر همین آزادی عمل را نداشتیم اما در همکاری با آقای پوراحمد، بازیگران راحت و با حس خودشان جلوی دوربین می‌رفتند.

اولین سکانسی را که جلوی دوربین رفتید و نظر و واکنش آقای پوراحمد را به یاد دارید؟

آقای پوراحمد قبل از برداشت اولین سکانس تستی از من گرفتند. سه، چهار دیالوگ دادند و گفتند حرکت کن و بگو. من گفتم و آقای پوراحمد گفتند دلم می‌خواهد در کارهای من حضور داشته باشی. برای اولین بار هم در قسمت لباس عید بازی داشتم که البته فقط صدای من روی تصویر بود. اکثر پلان‌هایی که من بازی داشتم نهایتاً با یک یا دو برداشت گرفته می‌شد. آقای پوراحمد خیلی لطف داشتند و همیشه می‌گفتند عالی عالی. روز بعد یکی از استادان تئاتر اصفهان بازی داشت و پلان بعد از شش بار تکرار گرفته شد. نوبت من که شد جلوی دوربین رفتم اما پلان چندبار گرفته شد تا بالاخره آقای پوراحمد کات دادند و پرسیدند: حسینی! چه خبره؟ چرا این جوری بازی می‌کنی؟! گفتم آقای پوراحمد، وقتی شما پلان استاد را با شش برداشت گرفتید گفتم شاید با من رودربایستی دارید و برای همین از کارم تعریف می‌کنید. مرحوم پوراحمد جواب داد که من با مادرم که دارد بازی می‌کند هم رودربایستی ندارم، دیگر چه برسد به شما. خلاصه که خیالم راحت شد که آقای پوراحمد از کارم راضی است و بقیه سکانس‌ها را هم با یکی، دو برداشت گرفتیم. روح‌شان شاد! همیشه از بازی‌ام اظهار رضایت می‌کردند.

فضای قصه‌های مجید در دهه ۶۰ می‌گذشت. چقدر تلاش داشتید تا چهره واقعی یک معلم دهه شصتی را نشان دهید؟

اتفاقاً می‌خواهم بگویم آقای حیدری شاید چندان با معلمان دهه شصتی شباهتی نداشت. بعضی از معلم‌ها در آن سال‌ها دانش‌آموزان را تنبیه می‌کردند که بخشی از آن در قسمت صبح روز بعد و بازی آقای جهان‌بخش سلطانی در نقش ناظم مدرسه به تصویر کشیده شد. در دوران مدرسه خودم هم همیشه چند ترکه را برای ادب کردن بچه‌ها در آب حوض مدرسه خوابانده بودند. البته بچه‌ها همیشه معلمی را که در عین جدیت، با آنها رفاقت می‌کرد خیلی دوست داشتند. دانش‌آموزان قدیمی خودم می‌گویند ما هیچ وقت شما را از یاد نخواهیم برد. هستند کسانی که سریال قصه‌های مجید را به یاد نمی‌آورند اما مرا به عنوان

این روزها را چگونه می‌گذرانید؟

کماکان به شغل شریف معلمی اشتغال دارم و با یکسری از مدارس در اصفهان همکاری می‌کنم.

شما در گفت‌وگوهای قبلی تان از نحوه آشنایی تان با مرحوم کیومرث پوراحمد و بازی در مجموعه قصه‌های مجید صحبت کرده‌اید. آیا قبل از بازیگر شدن به فیلم و سینما علاقه داشتید؟

بله، بعید است کسی به سینما علاقه نداشته باشد. ماکه جوانی مان در پیش از انقلاب گذشت، خانواده‌های مذهبی فرزندان‌شان را از رفتن به سینما منع می‌کردند، اما جوانان آن روزها هم حرمت بزرگ‌ترها را نگه می‌داشتند و هم به خواسته خود می‌رسیدند و به دنبال علائق‌شان می‌رفتند. بازی در قصه‌های مجید و آشنایی با آقای پوراحمد که استاد به تمام معنا بودند و در بازی گرفتن از بازیگران تخصص داشتند و خلافت‌شان مثال‌زدنی بود، باعث شد که اگر علاقه من به فیلم و بازیگری ۵۰ درصد بود به صد درصد کامل برسد.

فیلم‌های مورد علاقه تان در دوران جوانی کدام بود؟

درست است که تصور بر این است که فیلم‌های قبل از انقلاب بی‌کیفیت بودند و اصطلاحاً فیلم‌فارسی خوانده می‌شدند اما در میان این فیلم‌ها هم آثار قابل تعمق وجود داشت. خودم فیلم‌های آقای هالو، گاو و سفر سنگ را خیلی دوست داشتم.

در قصه‌های مجید نقش معلمی به نام آقای حیدری را ایفا می‌کردید. از سوی دیگر، شغل اصلی تان هم معلمی است. کاراکتر آقای حیدری چقدر به شخصیت واقعی تان نزدیک بود؟

خیلی‌ها که سال‌ها مرا می‌شناختند و با هم کار کرده بودیم و حتی دانش‌آموزانم می‌گفتند آقای حیدری خود واقعی‌ات است. من تلاش نکردم جلوی دوربین بازی کنم و خود واقعی‌ام بودم. روزی که جلوی دوربین رفتم با خودم قرار گذاشتم که بازی نکنم و خود واقعی‌ام باشم. به لطف خدا حضورم در جلوی دوربین هم به دل مردم نشست.

چیزی از خودتان به شخصیت آقای حیدری که در فیلمنامه طراحی شده بود اضافه کردید؟

می‌دانید که آقای هوشنگ مرادی کرمانی کتاب قصه‌های مجید را در پنج جلد نوشته بودند. نگارش فیلمنامه توسط زنده‌یاد پوراحمد در سر صحنه انجام می‌شد. دیالوگ‌ها را به ما بازیگران می‌دادند و جلوی دوربین می‌گفتند. اگر بداهه یا اضافه‌ای هم می‌گفتم اصلاً حذف نمی‌کردند، البته با لحاظ و رعایت این نکته که مسیر فیلمنامه عوض نشود. به هر حال، دست ما را خیلی باز می‌گذاشتند و آزادی